



● مردم ●

علاقه وافر شهید صدوقی به رهبر معظم انقلاب تا بدان پایه بود که نخستین بار ایشان را بهرغم جوانی، حضرت آیت‌الله خطاب کردند و پیوسته بر شان و قدرت علمی ایشان تاکید می‌کردند. رهبر معظم انقلاب را نیز با ایشان انس و الفتی دیرینه بود و به‌ویژه دلواپسی‌ها و نگرانی‌های پدرا نه شهید بزرگوار را در دوران تبعید خویش هرگز از یاد نبردند. در این گفتگو پاره‌ای از این موانست‌ها با کلام شیرین ایشان بازگوئی شده است.

«جلوه‌هایی از سلوک فردی و اجتماعی شهید صدوقی»
در گفت و شنود با رهبر انقلاب

قدرت رهبری ویژه‌ای داشتند...

تبعیدی‌ها بروند. از جمله خصلت‌های عالی ایشان، شجاعشان بود. اعلامیه‌های آیت‌الله صدوقی اولاً در سطح ایران منتشر می‌شد و ثانیاً مضامین تند و راهگشایی داشت. در هر قضیه‌ای خیلی زود، عکس‌العمل نشان می‌دادند، مثلاً قضیه سسینما رکس آبادان که ایشان بلافاصله موضع‌گیری کردند و اعلامیه دادند و مردم را روشن کردند. دستگاه، خیلی حساس بود، ولی ایشان هراسی نداشتند. همان اوقات در یزد گفته می‌شد که عوامل دستگاه قصد جان ایشان را دارند، ولی ایشان بدون هیچ‌گونه محافظتی و مراقبتی به مسجد می‌رفتند و می‌آمدند و اجتماعات بسیار بزرگی در مسجد ایشان تشکیل می‌شد. در اواخر سال ۵۷ بود، شاید حدود مثلاً آذر یا آبان، درست یادم نیست، بنده از تبعید برمی‌گشتم، از طریق یزد آمدم به مسجد ایشان. وقتی رفتم دیدم که اینجا مثل اینکه جزو محیط اختناق کشور ایران نیست. توی مسجد ایشان اعلامیه‌هایی زده بودند، همه خیلی آزاد می‌آمدند و می‌خواندند. در این اعلامیه‌ها مضامین فوق‌العاده تحریک‌آمیزی وجود داشت. آنکه یادم مانده، مثلاً فرض بفرمایید مقایسه‌ای شده بود میان بهای تانک‌ها و هواپیماها و وسایل نظامی که دستگاه از پول ملت می‌خرید و علیه ملت به کار می‌برد، به جای ساختن مدارس و بیمارستان‌ها و دیگر امور خیریه که می‌توانست در خدمت ملت باشد. همین را اعلامیه کرده و پشت شیشه مسجد ایشان زده بودند و مردم می‌آمدند و می‌خواندند و به یکدیگر می‌گفتند و با طریقه ساختن کوکتل مولوتف یا نارنجک دستی را آنجا زده بودند! مردم خیلی راحت می‌رفتند و می‌خواندند و می‌آمدند و پاسبان‌ها و پلیس جرئت نمی‌کردند که بروند توی مسجد ایشان و بگردند و اعلامیه‌ها را بکنند.

خود این بزرگوار هر شب منبر می‌رفتند و جمعیت بسیار انبوهی در مسجد حظیره جمع می‌شد. ایشان با بیانات خودشان ارشاد می‌کردند و صریحاً علیه دستگاه، و علیه مقامات انتظامی و اجرایی مطالبی را می‌گفتند، لذا از شجاعت ایشان، مردم یزد هم شجاعت پیدا کرده بودند و روحانیونی هم که دور و بر ایشان بودند، شجاعت پیدا کرده بودند. این خصوصیات ایشان، این

محتاج استراحت، از یزد با عده‌ای یارانش حرکت کرد و راه‌های طولانی را پیمود و به دیدن همه تبعیدی‌هایی که در شهرهای مختلف بودند، رفت و طبیعی است که رفتن ایشان روحیه خیلی زیادی به این تبعیدی‌ها می‌داد. همچنین در وضع فکری مردم یزد و شهرهایی که تبعیدی‌ها در آنجا بودند، آمدن ایشان و سرکشی‌شان اثر می‌گذاشت. از جمله به دیدن خود ما آمدند که من و آقای حاجتی کرمانی، منظور آقای آشیخ محمد جواد، در ایرانشهر تبعید بودیم و ایشان آمدند ایرانشهر و حدود دو سه روز در رفت و برگشت و دیدارشان در آنجا ماندند، از ایرانشهر رفتند چابهار که چند نفر در آنجا تبعید بودند، آنها را دیدند و بعد برگشتند به ایرانشهر. برخورد ایشان با افراد تبعیدی مشوق فعالیت آن عناصر بود. این کار از روحانی ارزشمند محترم معمری مثل ایشان، خیلی نادر و کم‌نظر بود. علماء شهرستان‌ها خیلی به این کار نمی‌پرداختند که راه بیفتند و به دید و بازدید

در اواخر سال ۵۷، بنده از تبعید برمی‌گشتم، از طریق یزد آمدم به مسجد ایشان. وقتی رفتم دیدم که اینجا مثل اینکه جزو محیط اختناق کشور ایران نیست. پشت شیشه مسجد ایشان اعلامیه‌ها زده بودند و مردم می‌آمدند و می‌خواندند و به یکدیگر می‌گفتند و با طریقه ساختن کوکتل مولوتف یا نارنجک دستی را آنجا زده بودند! مردم خیلی راحت می‌رفتند و می‌آمدند و پاسبان‌ها و پلیس جرئت نمی‌کردند که بروند توی مسجد ایشان و بگردند و اعلامیه‌ها را بکنند.

با تشکر از فرصتی که در اختیار ما گذاشتید، در باره ویژگی‌های شخصیتی شهید صدوقی مطالبی را بیان بفرمایید.

درباره مرحوم آیت‌الله صدوقی (ره) گفتنی بسیار است و فضائل اخلاقی و معنوی و روحی و فکری ایشان به‌گونه‌ای است که می‌توان درباره‌اش ساعت‌های متوالی بحث کرد و من یک نفر هم برای بیان همه ابعاد شخصیت ایشان کافی نیستم، بلکه باید از مجموعه دوستان و آشنایان قدیمی ایشان سخنانی درباره ایشان شنید تا بتوان تصویر کاملی از آن بزرگوار ترسیم کرد. و اما آنچه که من در مورد ایشان در طول چند سال اثنابینی خودم می‌دانم این است که این بزرگوار از کسانی بود که در انقلاب بزرگ اسلامی ما نقش قابل توجهی داشت و دخالت و علاقمندی ایشان به فعالیت‌های انقلاب بیشتر از زمانی اوج گرفت که قضایای بعد از شهادت مرحوم آیت‌الله سید مصطفی خمینی در ایران آغاز شده بود. همان طور که می‌دانید در چهل و ششدهای تبریز در یزد، در مسجد ایشان یک مجلس بزرگی به رهبری و هدایت ایشان تشکیل شد. خود آن جلسه و پیامدهای آن هم یکی دیگر از مقاطع حساس و برانگیزاننده انقلاب بزرگ اسلامی بود.

در طول یکی دو سال قبل از پیروزی انقلاب، مرحوم آیت‌الله صدوقی محوری بودند برای بیشتر فعالیت‌های نه فقط یزد، بلکه سراسر کشور و این به خاطر این بود که آیت‌الله صدوقی شخصیت روحانی محترم و معتبری بودند که نظرات ایشان، تشخیص‌های ایشان و پیشنهادهای ایشان در امور شهرستان‌های دیگر هم اثر می‌گذاشت. غالباً مورد مشاوره قرار می‌گرفتند و حتی در تهران هم طبق نظر ایشان عمل می‌شد.

و نیز رای‌ها و نظرات این بزرگوار برای علمای شهرستان‌ها راهگشا و راهنمای خوبی بود. از جمله خصوصیات مرحوم آیت‌الله صدوقی که ایشان را در حرکات انقلابی به صورت فرد مؤثری در می‌آورد، شجاعت آن مرد بود. از دستگاه جباری که آن روز حاکم بود، واهمه‌ای نداشت، لذا در سال ۵۶ که تعداد زیادی از روحانیون و علماء در تبعید بودند، این پیرمرد

شهادت و فداکاری در راه خدا مخصوص طبقه خاصی و مردم خاصی نیست. ما پیرومردی در سنن آیت‌الله صدوقی و آدم عامی در سنن آیت‌الله صدوقی و مبارز سابقه‌داری در حد ایشان را هم در خلال شهدا و زمره گلگون‌کفنان و مبارزان راه خدا داریم که ارائه دهیم و این چیزی است که اولاً ملت ما را تشویق می‌کند به فداکاری و باید تشویق کند، ثانیاً کل این نظام را سرافراز و مفتخر می‌کند.

ایشان نه تنها در مجلس خبرگان که در مقابله با خط لیبرال‌ها هم از اول انقلاب مواضع خاصی را انتخاب کرده بودند. مرحوم صدوقی دقیقاً در خط امام بودند و مواضع سیاسی ایشان، بسیار مواضع درستی بود. مثلاً از زمانی که بنی‌صدر مطرح بود، بعضی در گوشه و کنار از افراد خوب و مؤمن بودند که دچار اشتباه شدند و برای مدت کوتاه و یا بلندی به بنی‌صدر با نگاه موافقی نگاه کردند. چند نفر از ائمه جمعه معروف و بزرگ بودند که حتی یک لحظه هم دچار این اشتباه نشدند، از جمله مرحوم آیت‌الله صدوقی. مرحوم آیت‌الله دستغیب و مرحوم آیت‌الله مدنی، این دو شهید دیگر محراب هم در این جهت بودند، یعنی دچار هیچ لغزشی در مورد بنی‌صدر نشدند.

در مورد ارتباطات مقامات دولتی با سیاست‌های خارجی، ایشان همیشه یک فرد صددرد، ضد امریکایی بودند، یعنی ضد آن سیاست مهاجم بر انقلاب ما بودند. اهل نرمنش نبودند. در مصوباتی که داشتیم، بعضی‌ها شاید یا از روی علت و یا از روی احساس ضرورت، دقیقاً منطبق بر موازین شرعی نبودند. مرحوم آیت‌الله صدوقی با این گونه مصوبات مقابله می‌کردند، یعنی بر روی معیارها و ضوابط شرعی اصرار و پافشاری فوق‌العاده‌ای داشتند که نمونه این را ما در سمینار ائمه جمعه که در قم تشکیل شد، مشاهده کردیم. در مجلس خبرگان هم همین‌جور بودند و در جاهای دیگر هم همین‌حالات و خصوصیات از ایشان مشاهده می‌شد. به هر حال از آغاز انقلاب تا آخر، یک فرد پایبند به مواضع درست اسلامی و مواضع درست انقلابی بودند.

در پایان ضمن تشکر از جنابعالی، پیامی هم برای ملت ایران و به خصوص خانواده‌های شهدا و همچنین برای رزمندگان اسلام بفرمائید.

پیام به مناسبت نام مرحوم آیت‌الله شهید صدوقی جز این نخواهد بود که ملت ایران توجه کنند و بدانند که شهادت و فداکاری در راه خدا مخصوص طبقه خاصی و مردم خاصی نیست. ما پیرومردی در سنن آیت‌الله صدوقی و آدم عامی در سنن آیت‌الله صدوقی و مبارز سابقه‌داری در حد ایشان را هم در خلال شهدا و زمره گلگون‌کفنان و مبارزان راه خدا داریم که ارائه دهیم و این چیزی است که اولاً ملت ما را تشویق می‌کند به فداکاری و باید تشویق کند، ثانیاً کل این نظام را سرافراز و مفتخر می‌کند. ما می‌توانیم به ملت‌های دنیا بگوئیم که این نظام، نظامی نیست که کسانی در سطوح بالای آن بنشینند و به توده مردم بگویند شما بروید فداکاری کنید تا ما برایتان این نظام را حفظ کنیم؛ نه حتی در سطوح بالا، چه سطوح بالای دولتی و مقامات رسمی و چه سطوح بالای اجتماعی مثل روحانیون بزرگ، کسانی هستند که اینها هم مشتاق فداکارانند و در خط جهاد فی سبیل‌الله حرکت می‌کنند و هیچ‌گونه ابا و امتناعی از اینکه مانند توده مردم بروند و در راه خدا فداکاری کنند ندارند، حتی اگر ممکن باشد مایلند آنها شهید هم بشوند و جوانان مردم و توده مردم سالم بمانند، بنابراین پیام من به همه فداکاران، رزمندگان و پدران و مادران و همه ملت ایران این است که این یکپارچگی را قدر بدانند و در راه خدا هر چه بیشتر با فداکاری بکوشند تا اهداف عالی جمهوری اسلامی‌اش تأیید بشود.

با تشکر

والسلام علیکم ورحمه‌الله و برکاته ■
* به نقل از نشریه پیام انقلاب.



بتوانند نظر درست را به مردم ارائه بدهند، حرکت مردم را ادامه بدهند، شعارهای لازم را به مردم ارائه بدهند. این از خصوصیات رهبری است و مرحوم صدوقی این را داشتند. البته از لحاظ اخلاقی، یعنی اخلاق معاشرتی و شخصی هم امتیازات زیادی داشتند؛ از جمله اینکه بسیار متواضع بودند، هیچ حالت کبر و غرور و بی‌اعتنایی به زیردستان، به کوچکان و به هم‌قطاران در ایشان نبود، خاکسار بودند، رفیق بودند، باصفا و بااخلاص و صمیمی بودند، متواضع بودند، خوش‌محضر و خوش‌مجلس بودند. بسیار خوش‌حافظه بودند و معلومات زیادی در ذهنشان همیشه حاضر بود. آدم متقی و خداترسی بودند. به هر حال مرحوم صدوقی انسان شایسته‌ای بودند. در مورد سوابق مبارزاتی ایشان و نیز مجلس خبرگان و مبارزه با خط لیبرال‌ها و گروهک‌ها نکاتی را بیان بفرمائید.



قدر برکت داشت برای انقلاب. بعد از انقلاب هم دیدید که غالباً در جبهه‌های جنگ و در جاهای پرخطر شرکت و حرکت می‌کردند. یکی دیگر از خصوصیات مرحوم صدوقی، خستگی‌ناپذیری ایشان بود. آدمی نبودند که بگویند حالا بالاخره کار خودمان را کردیم و برویم گوشه‌ای بنشینیم. هنگامی که عمل جراحی را روی چشم ایشان انجام داده بودند، ایشان در حقیقت با حالت بیماری از بیمارستان بیرون آمده بودند. بنده روی علاقه‌ای که به ایشان داشتم، از ایشان خواهش کردم که چند وقتی در تهران بمانند و گفتم خوب است یزد نروید. ته دلم این فکر بود که ممکن است در یزد برای ایشان مسئله‌ای پیش بیاید و سوء قصدی بشود و گفتم مصلحت نیست شما بروید یزد. در تهران باشید و استراحت کنید. ایشان شاید خیلی استدلال هم نمی‌کردند، ولی قبول نکردند، گفتند: «می‌خواهم بروم یزد و به جبهه هم بروم.» من به ایشان گفتم: «شما خوب است اگر جبهه هم می‌روید، به طرف غرب بروید که هوایش در فصل بهار و اردیبهشت خوب است و به جنوب نروید، چون هوا گرم است.» ایشان گفتند: «تا ببینم چه می‌شود.» و ناگهان دیدیم سروکله‌شان در جنوب پیدا شد و در حمله بیت‌المقدس حاضر شدند و همه مردم در تلویزیون دیدند که ایشان چه رزمنده خستگی‌ناپذیری بودند و دنبال کار بودند و خستگی نداشتند.

یک خصوصیت دیگر ایشان که واقعا مهم بود، این بود که تسلیم و مطیع امام بودند. فکرشان و عقیده‌شان و عملشان در جهت و در خط فکر و عقیده و عمل امام بود. هیچ‌گونه رای و فکری را بر رای و فکر امام ترجیح نمی‌دادند، به همین دلیل بود که مواضع ایشان از اول انقلاب تا زمان شهادتشان، مواضع صددرد صحیح و درستی بود. روح نظرات امام را می‌فهمیدند و همان‌جور عمل و اظهار می‌کردند.

نکته دیگری که در کار ایشان وجود داشت و بسیار جالب و مهم بود، روح رهبری ایشان بود. آقای صدوقی را من در یزد یک رهبر، به معنای واقعی یافتیم. می‌دانید بعضی از آقایان علما، محترم و بزرگ بودند و هستند و در شهرستان‌ها واقعاً به کار مردم می‌پردازند و به مردم اهمیت می‌دهند، لکن قدرت رهبری ندارند. مرحوم صدوقی قدرت رهبری داشتند، به این معنا که در جزئیات امور مردم برای سؤال مردم پاسخ داشتند. هیچ‌وقت مردم را دچار ابهام نمی‌کردند. همه چیز را، حتی پیش از انقلاب هم، به مردم می‌گفتند. من این را احساس کرده بودم که ایشان در همه چیز مردم، یک نظری دارند، یک رایی دارند. یکی از خصوصیات مهم رهبری این است که مردم را در حال ابهام و خلاء نگه ندارند، وقتی مردم سؤال می‌کنند و نظر می‌خواهند،